



از سری مباحث اقتصاد سیاسی (شماره ۱)

روندهای غالب اقتصاد سیاسی و

ضدروندها در جهان امروز

شرکت گروه مشاوران مدیریت و مطالعات راهبردی تدبیر

اردیبهشت ماه ۱۳۹۶

بسمه تعالی

مقدمه:

در دهه‌های آغازین قرن بیست و یکم، شاهد تداوم روندهای کلان و همچنین روندهای جدید در عرصه اقتصاد سیاسی هستیم. بموازات آنها نیز روندهای متعارض در جهان ظهور و بروز پیدا کرده است. در این مقاله نسبت به هر یک از روندها و ضد روندها و آثار آنها و لزوم تصمیمات مناسب از سوی نخبگان سیاسی کشورهای در حال توسعه پرداخته می‌شود.

۱- روندهای غالب اقتصاد سیاسی در جهان:

اصلی‌ترین روند اقتصاد سیاسی در عصر کنونی، **جهانی شدن** است. جهانی شدن، دلالت بر آزادی عوامل تولید همچون کار و سرمایه، گسترش همکاریهای اقتصادی بین کشورها و فرآیندهای فرا سرزمینی دارد. جذب سرمایه گذاری خارجی، نماد بارز جهانی شدن اقتصاد است. جدول ذیل روند سرمایه گذاری خارجی در جهان را طی چهار دهه گذشته نشان می‌دهد:

ارقام به میلیارد دلار

۲۰۱۵	۲۰۱۰	۲۰۰۰	۱۹۹۰	۱۹۸۰	۱۹۷۰	
۱,۷۶۲.۲	۱,۳۸۸.۸	۱,۳۵۸.۸	۲۰۴.۹	۵۴.۴	۱۳.۳	جهان

ماخذ: آنکتاد-۲۰۱۷.

یکی از عوامل اصلی جذب سرمایه گذاری خارجی، وجود فضای رقابتی و محیط کسب و کار مناسب در کشورهای میزبان است. از جمله کشورهایی که توانسته است با بستر سازی های مناسب یکی از بزرگترین میزبانان سرمایه گذاری خارجی باشد، کشور چین است. جدول ذیل این وضعیت را نشان می‌دهد:

ارقام به میلیارد دلار

۲۰۱۵	۲۰۱۰	۲۰۰۰	۱۹۹۰	۱۹۸۰	۱۹۷۰	
۱۳۵.۶	۱۱۴.۷	۴۰.۷	۳.۵	۰.۱	..	چین

ماخذ: آنکتاد-۲۰۱۷.

بین جذب سرمایه گذاری خارجی و صادرات کالا و خدمات همبستگی فراوانی وجود دارد. جدول ذیل این وضعیت را در کشور چین نشان می دهد.

ارقام به میلیارد دلار

۲۰۱۵	۲۰۱۰	۲۰۰۰	۱۹۹۰	۱۹۸۰	۱۹۷۰	
۱۳۵.۶	۱۱۴.۷	۴۰.۷	۳.۵	۰.۱	..	جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی
۲,۴۳۱.۳	۱,۶۰۲.۵	۲۵۷.۲	۵۰.۶	۱۱.۳	۲.۳	میزان صادرات کالا و خدمات

ماخذ: آنکتاد - ۲۰۱۷.

لازم به ذکر است، برغم آنکه کشورهای دارای اقتصاد نوظهور همچون چین، کانون جذب سرمایه گذاری خارجی طی دهه های پیشین بوده است، اما همچنان کشورهای پیشرفته (هفت کشور صنعتی^۱) میزبان اصلی جذب سرمایه گذاری خارجی هستند. جدول ذیل این وضعیت را نشان می دهد:

ارقام به میلیارد دلار

۲۰۱۵	۲۰۱۰	۲۰۰۰	۱۹۹۰	۱۹۸۰	۱۹۷۰	
۵۶۰.۷	۳۷۲.۱	۷۴۳.۶	۱۱۴.۱	۳۷.۰	۵.۹	کشورهای صنعتی

ماخذ: آنکتاد-۲۰۱۷.

تمامی فعل و انفعالات مزبور که در کشورهای صنعتی و اقتصادی های نوظهور شکل گرفته، موجب افزایش میزان تولید ناخالص داخلی در جهان شده است. جدول ذیل این وضعیت را نشان می دهد:

^۱ آمریکا، انگلیس، آلمان، فرانسه، ایتالیا، کانادا، ژاپن

ارقام به میلیارد دلار

۲۰۱۵	۲۰۱۰	۲۰۰۰	۱۹۹۰	۱۹۸۰	۱۹۷۰	جهان
۷۴,۲۹۲.۳	۶۵,۸۵۳.۰	۳۳,۵۵۱.۴	۲۲,۵۴۷.۸	۱۱,۱۵۵.۶	۲,۹۵۵.۵	

ماخذ: بانک جهانی-۲۰۱۷.

همانطور که مشاهده می‌شود، نکته کلیدی در تمامی روندها و آمارهای چندگانه ارائه شده اینست که از دهه ۲۰۰۰، تمامی شاخصها دارای نقطه عطف شده‌اند، چرا که این دهه، اوج به ثمر رسیدن ساز و کارهای جهانی شدن و شکوفایی شاخصهای مربوطه است. کشورهایی که در سازو کارهای جهانی شدن نقش آفرین بوده‌اند، توانستند در کاهش فقر، افزایش رشد اقتصادی و تولید ثروت دارای دستاوردهای مناسبی باشند. همچنین باید افزود که نابرابری نیز در این کشورها رو به افزایش رفته است. بموازات وضعیت مزبور، در کشورهای صنعتی و همچنین سایر کشورهایی که در فرآیندهای جهانی شدن نقش آفرین نبوده‌اند، روندهای مخالف و معارض جهانی شدن ظهور و بروز پیدا کرده است که در ادامه مطالب به ابعادی از آن پرداخته می‌شود.

۲- روندهای متعارض در جهان:

ساز و کارهای جهانی شدن، موجب آزادی عوامل تولید (کارو سرمایه) شده که آثار متنوع و گوناگونی را در کشورهای مختلف جهان به همراه داشته است. در این راستا کشورهای صنعتی با بیرون فرستی فعالیتهای تولیدی به بیرون مرزها و همچنین با پذیرش نیروهای کار و مهاجرین از سایر کشورها، فرصتهای فراوانی را برای اقتصاد ملی خودشان ایجاد نموده‌اند. اما بموازات این وضعیت، محدودیتهای شغلی برای نیروهای بومی کشورهای صنعتی نیز بوجود آمده است. چرا که بیرون فرستی فعالیتهای تولیدی از سوی کشورهای صنعتی به کشورهای در حال توسعه و همچنین با مهاجرت نیروی کار از کشورهای در حال توسعه به کشورهای صنعتی، فرصتهای شغلی در کشورهای صنعتی رو به کاهش رفته و بیکاری در این کشورها رو به افزایش گذاشته است. این امر موجب بدبینی و نارضایتی در طبقه متوسط رو به پایین در کشورهای صنعتی شده

است. از اینرو در دهه اخیر، جریان‌های سیاسی ملی‌گرا و تندرو در کشورهای صنعتی، دارای شعارها و خط‌مشی‌های «درون‌گرایانه» و «حمایت‌گرایی» شده‌اند. این جریان‌ها در حوزه سیاست به کنترل مهاجرت و عوامل کار و در حوزه اقتصاد نیز به محدود سازی ساز و کارهای جهانی شدن تاکید فراوان می‌نمایند.

بنابراین ساز و کارهای جهانی شدن در کشورهای صنعتی از یکسو فرصت ساز بوده و از سوی تهدید زایی داشته است. افزایش «بیکاری»، از اصلی‌ترین مولفه‌های تهدیدزایی سازوکارهای جهانی شدن در کشورهای صنعتی محسوب می‌شود. این قبیل تهدیدات موجب ظهور و بروز روندهای متعارض جهانی شدن در این کشورها شده است. خروج انگلیس از اتحادیه اروپا و به قدرت رسیدن ترامپ را می‌توان بعنوان نمادهای برتری روندهای معارض نسبت به روندهای غالب اقتصاد سیاسی در جهان محسوب نمود.

در خصوص پیروزی ترامپ در انتخابات می‌توان گفت که او در مبارزات انتخاباتی، رویکرد «ضد سیستمی» داشت و متکی به آرا اقلیاری همچون سفید پوستان، نژادپرستان، کارگران بیکار شده و سرخوردگان سیستم موجود در آمریکا بود. آنها برای برخورداری از وضعیت بهتر، از ترامپ حمایت می‌کردند. اما بسیاری از بنگاه‌های تولیدی و خدماتی که دارای رویکرد جهانی و پیوند با ساز و کارهای جهانی شدن بودند، با او مخالفت داشتند. بنابر گزارش موسسه بروکینگز، کلینتون در ۵۰۰ شهرستانی پیروز شد که ۶۴ درصد تولید ناخالص داخلی و ترامپ در ۲۶۰۰ شهرستانی پیروز شد که ۳۶ درصد از تولید ناخالص داخلی آمریکا را تشکیل می‌دهند.

خروج انگلیس از اتحادیه اروپا و به قدرت رسیدن ترامپ در آمریکا، موجب شد که حتی تعدادی از کارشناسان بین‌المللی پیش‌بینی نمایند، دامنه به قدرت رسیدن روندهای معارض، سراسر اروپا را در آینده‌ای نزدیک در خواهد نوردید. اما با شکست نمایندگان ملی‌گرا و افراطی در انتخابات هلند و فرانسه که در ماه‌های اخیر اتفاق افتاد و همچنین با پیش‌بینی پیروزی حزب حاکم در آلمان در انتخابات ماه‌های آینده، این نظریه مطرح شده است که نظریه غالب در جهان همچنان سازوکارهای جهانی شدن است و به قدرت رسیدن روندهای ملی‌گرایانه و درون‌گرایانه در بعضی از کشورها را باید بعنوان امور استثنایی قلمداد کرد. ولی کشورهای صنعتی باید روشها و تاکتیکهای مناسب برای پاسخگویی به کسب و کارهای از دست رفته و احیا مشاغل از دست رفته اتخاذ نمایند.

۳- کشورهای در حال توسعه چه باید بکنند؟

با توجه به تبیین روندهای غالب اقتصاد سیاسی و همچنین روندهای معارض در جهان امروز که خصوصاً در کشورهای صنعتی ظهور و بروز چشمگیرتری دارد، سایر کشورهای در حال توسعه چه نوع سیاست گذاری را باید انتخاب کنند؟ در پاسخ باید گفت که کشورهای در حال توسعه می‌توانند یکی از سیاست گذاری های ذیل را انتخاب نمایند:

- درون گرایی

- درون زایی و برون گرایی

۳-۱- درون گرایی: یکی از خط مشی‌ها برای کشورهای در حال توسعه، می‌تواند به پیروی از جریانات ملی‌گرا و طرفدار روندهای معارض در جهان، درون‌گرایی باشد. اما باید گفت که خط مشی مزبور برای توسعه این قبیل کشورها راهگشا نبوده و آنها نمی‌توانند به رشدهای مناسب اقتصادی دست پیدا کنند و از دام درآمدهای متوسط رهایی یابند. همچنین باید افزود، هر گاه این کشورها دارای جمعیت جوان و فعال قابل توجه باشند، خط مشی درون گرایی نیز جوابگوی اشتغال مناسب برای آنها نخواهد بود.

۳-۲ درون زایی و برون گرایی: یکی دیگر از خط مشی‌ها برای کشورهای در حال توسعه، درون زایی و برون گرایی است. این خط مشی زمینه ساز رشد اقتصادی مناسب، اشتغال زایی و خروج از در آمد متوسط خواهد شد. لازم ذکر است، درون زایی و برون گرایی، مستلزم بهسازی زیر ساختها، عدم تصدی‌گری دولتها، حمایت از سازو کارهای رقابتی در اقتصاد ملی برای بهبود فرایندهای تولید و خدمات از سوی دولتها، مشارکت فعالانه در زنجیره ارزش جهانی است. این خط مشی شامل تعامل بسیار عمیق بین صادرات و واردات در فرآیند تولید است و موجب افزایش توان رقابتی با تکیه بر مزیت های نسبی، مزیت سازی و حصول مزیت‌های رقابتی می‌شود. کشورهایی که دارای رویکرد مزبور هستند، از فرصتهای جهانی شدن می‌توانند بهره‌گیری نمایند و به رشد اقتصادی مناسب دست یابند.

همچنین باید افزود که در سطح منطقه ای نیز این روند جریان دارد. برخی از اقتصاددانان بین المللی عقیده دارند، آسیا بزرگترین کانون فعالیتهای اقتصادی جهان در آینده خواهد بود. لذا کشورهای آسیایی باید با افزایش متقابل میزان تجارت و برون گرایی، از این مزیت استفاده نمایند. نقش آفرینی در درون خوشه‌های اقتصادی که در سطح منطقه ای ساماندهی پیدا کرده است، موجب انتقال دانش و تکنولوژی از بازیگران اصلی بازار به سمت اجزای دیگر (از بنگاه‌های بزرگ به سمت کوچک یا از خارج به داخل کشور و بالعکس) می شود و رشد اقتصادی مناسب را همراه با اشتغال زایی بدست می دهد.

۴- ج.ا. ایران و روندهای غالب اقتصاد سیاسی در جهان و منطقه

در خصوص توسعه اقتصادی دو دیدگاه در ج.ا.ایران وجود دارد که از یکسو به **درون گرایی** و از سوی دیگر به **درون زایی و برون گرایی** تاکید می نمایند. اقتصاد ایران، دارای رتبه جهانی است. بدین معنی که در سی کشور اول دنیا (از لحاظ تولید ناخالص داخلی به قیمت اسمی) قرار دارد و سالانه حجم مبادلات تجاری (صادرات و واردات) آن بطور متوسط بالغ بر ۱۵۰ میلیارد دلار می شود. از اینرو اتخاذ خط مشی درون گرایی و یا انزوا طلبی، موجب ائتلاف منابع و فرصت سوزی های فراوان می شود. بنابراین باید رویکرد درون زایی و برون گرایی را انتخاب نمود. این رویکرد، یکی از مبانی اصلی **اقتصاد مقاومتی** می باشد، ولی بطور جدی عملیاتی نشده است. از جمله الزامات عملی خط مشی درون زایی و برون گرایی، بازشناسی مزیت های نسبی و توجه به اصل مهم مزیت سازی است. بدون رعایت الزامات مزبور، برون گرایی ثمره ای برای اقتصاد ملی نخواهد داشت و تنها به افزایش واردات خواهد انجامید و وابستگی را افزایش می دهد. اما توجه به مزیت ها و همچنین برون گرایی، زمینه افزایش رشد اقتصادی، ایجاد فرصتهای شغلی و همچنین رهایی از دام در آمد متوسط برای ج.ا. ایران فراهم می شود.